

امام خمینی :

" ملت ایران در مقابل امریکا می ایستد "

در هفته گذشته بار دیگر " خط امام " از زبان امام و از زبان نگهبان خط امام در مبارزه علیه امریکا و " اذتابش " با قاطعیت اعلام شد. امام در سخنانی که صبح چهارشنبه ۲۱ مهرماه در برابر گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایراد داشتند ، اعلام کردند که :

" ملت ایران در مقابل امریکا می ایستد و به امید خداوند پیروز است "

این امریکا که سردمدار تمام نیروهای امپریالیستی ، صهیونیستی نژادپرست ، جنگ افروز و تروریست در سراسر جهان است ، دشمن اصلی و دشمن آشتی ناپذیر همه خلقهای جهان و همه انقلابهای رهاشخص در پهنه گیتی است و طبعاً خصومتی حیوانی با انقلاب خدامپریالیستی و مردمی ایران دارد و برای براندازی و یا مسخ آن تاکنون از هیچ توطئه و جنایتی فروگذار نکرده و در آینده نیز فروگذار نخواهد کرد. سرچشمه تمام مشکلات بزرگی که تاکنون انقلاب ما با آن رو در رو قرار گرفته و بر آنها فائق آمده ، تمام مشکلات بزرگی که هم اکنون انقلاب ما با آن روبروست و نیز تمام مشکلات احتمالی بزرگی که انقلاب ما در آینده ممکن است با آنها رو در رو قرار گیرد ، از امریکاست. این دست امریکاست که یک روز از آستین " بختیارها " یک روز از آستین " دولت موقت " یک روز

از آستین بنی صدرها و قطب زاده‌ها و شریعتمدارها و "جبهه ملی" و "منافق" و "پیکاری" و "رنجبری" و "نهضت آزادی" و غیره و غیره و یک روز از آستین "صدام" ها و "سعودی" ها و غیره بیرون می‌آید. آمریکا دست از سر انقلاب ایران برنمی‌دارد و تازمانی که هست تازمانی که "ابزار کار" در اختیار دارد و در مجاورت ایران رژیم‌های دست‌نشانده و فرمانبردار و در داخل ایران پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی بزرگ‌مالکی و کسب‌وکار سرمایه‌داری وجود دارند، دست برنخواهد داشت. پس دو راه بیشتر در مقابل انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد، یا تسلیم که جبهه متحد ضد انقلاب آن را پیشنهاد می‌کند و در صدد تحمیل آن است که در این صورت به گفته امام "استقلال و آزادی و شرافت ما" از بین می‌رود و انقلاب شکسته و نابود می‌شود، و یا مبارزه، مبارزه تا پیروزی نهایی. ما همچنانکه رهنمود امام نیز هست "باید محکم بایستیم و خودمان را برای مقابله با مشکلات احتمالی آینده مهیا کنیم" باید با قاطعیت مبارزه را ادامه دهیم و انقلاب شکوهمند بهمن را به پیروزی‌های نهایی برسانیم.

مانور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند

یکی از مشکلات جدی که هم اکنون انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با آن روبروست جنگ احتمالی عراق علیه کشور ماست. آتش این جنگ را چنانکه می دانیم، امریکا به دست صدام برافروخت با این هدف که انقلاب ایران را "برق آسا" درهم شکند و با لااقل منطقه "آزادی" برای امریکا عمدتاً در جنوب غربی کشور ما بوجود آورد که در آن دولت "بی اختیاری" استقرار داده شود و بوسیله آن "دولت" امریکا بتواند به تهاجم نظامی خود تا شکستین انقلاب ایران ادامه دهد. این نقشه با هر دو برنامه "حداکثر" و "عداقل" آن برائز مقاومت ایثارگرانه و فداکارانه مردم قهرمان و انقلابی ما، به رهبری امام خمینی و علمرفرم کارشکنی های خائنانه بنی صدر و شرکا شکست خورد، نقشه بعدی امریکا به دنبال این شکست، فروزان نگاه داشتن آتش این جنگ برای مدتی دراز بود و هست تا از جنبه فرسایشی آن برای رسیدن به همان هدف نخستین استفاده کند. برای رهنپیدن به این مقصود، امریکا به کمک عربستان، مصر، سودان، "شورای همکاری خلیج" و نیز متحدین ناتو، کوشید و می کوشد، نیروی نظامی صدام را تقویت کند تا حدی که بتواند آتش جنگ را همچنان فروزان نگاه دارد. ولی امریکا در این اواخر احساس کرده است که نه فقط مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران دست سیه کار "شیطان بزرگ" را در این مورد نیز خوانده اند، بلکه راه صلح می رود که باز شود، صلحی عادلانه که طبق آن عراق به مرزهای قبل از حمله به ایران بازگردد و غرامت و خساراتی را که به ایران وارد آورده به پردازد. در نتیجه، امریکا صن ادامه کوشش برای دوام جنگ، بیش از گذشته درصدد برآمده است که مستقیماً اسلحه به رخ بکشد و به تدارک یک تهاجم حدید پردازد. روزنامه های امریکایی و نیز "منابع نظامی امریکا" اعلام داشته اند که قبل از پایان سال

مسیحی جاری یک مانور نظامی بزرگ با نیروهای نظامی (تفنگداران) و ناوگان آمریکایی در سلطان نشین عمان و آبهای خلیج فارس و غرب اقیانوس هند انجام خواهد گرفت. پنتاگون سعی دارد برخی از متحدان ناتوی و نیز نیروهای مسلح کشورهای مرتجع و دست‌نشانده منطقه را در این مانور شرکت دهد. آقای حجت‌الاسلام رفسنجانی پس از جلسه شورای عالی دفاع "در مورد این مسئله که آمریکا با همکاری دولت‌های وابسته در نظر دارد، در منطقه مانورهای نظامی انجام بدهد و حتی در این زمینه نشست‌هایی هم صورت گرفته، اظهار داشت:

این حرف تازه‌ای نیست از یکی دو سال پیش این حرف مطرح است، بزرگ‌ترین مانور بدهند، آمریکا مانور بدهد یا نه دشمن ماست و امکاناتی که داشته باشد و بتواند علیه ما بکار می‌گیرد، ما هم با آمریکا، اقلار آمریکا به عنوان دشمن برخورد می‌کنیم

(کیهان ۲۲ مهرماه)

آقای محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران نیز که مسافرتی به سیمان و بلوچستان انجام داد، اظهار داشت که:

"امریکا و اسرائیل به دنبال شکست در جنوب، علیه ایران اکنون به فکر افتاده‌اند، برنامه‌های بیشتری در جنوب کشور علیه ما برآه اندازند"

این مانور نظامی را نباید فقط "تهدید" دانست. علاوه بر "تهدید" تدارک "امکاناتی" است که آمریکا اگر بتواند و در لحظه‌ای که تصور کند می‌تواند علیه ما بکار می‌گیرد "امریکا آمریکا است، در همه جا آمریکا آمریکا است و در هر جا اگر بتواند مستقیم و غیرمستقیم، امکانات نظامی خود را برای شکستن انقلاب‌های رهاشخص بکار می‌گیرد.

" نهضت آزادی " مجری سیاست امریکا

واکنش جدی و بحای خط امام در برابر سربلندگرن مجدد
" نهضت آزادی " در هفته گذشته نیز ادامه یافت در این واکنش
بدرستی اشاره شد که این سربلندگرن مجدد " نهضت آزادی "
در هماهنگی با بختیارها و بنی صدرها و در " خط امریکا " است .
درواقع نیز این امریکا است که از زبان " نهضت آزادی " محدودا سخن
می گوید " نهضت آزادی " که اکنون دیگر جز لاپهنگی از " جنبه
متحد ضدانقلاب " است به خیال خود موقع را " مساعد " تشخیص
داد که نیروهای متفرق ضدانقلابی را به رهبری " نهضت " گرد هم
آورد و تلاش کند که آنچه را بنی صدر نتوانست انجام دهد ، به
انجام برساند . اوضاع " مساعد " از نظر امریکا و به تبع او از نظر
" نهضت آزادی " وجود دشواری ها و مشکلاتی است که در مدت ۳
سالونیم بعد از پیروزی انقلاب ، امریکا و متحدان و اذتابش به
وسيله محاصره و فشارهای اقتصادی ، به وسيله کارشکنی ها و
زراپکاری های " دولت موقت " به وسيله قطب زاده ها ، بنی صدرها
به وسيله تروریست های سیاسی ، تروریست های اقتصادی ،
تروریست های اداری ، به وسيله جنگ تجاوزی ، به وسيله
بمب گذاران ، به وسيله تبلیغات زهرآگین و جنگ روانی و به انواع
وسائل دیگر بوجود آوردند . حالا " نهضت آزادی " حاصل کار

امریکا و همقطاران را در "جبهه متحد ضدانقلاب" می‌خواهد به عنوان حاصل کار انقلاب و رهبری آن نگذارد و بدین وسیله مشروعیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را زیر علامت سؤال قرار دهد.

ولی جبهه نهضت‌آزادی "برای توده‌های میلیونی کشور انقلابی ما شناخته‌تر از آن است که بتواند برای خود "وحدت ملی" کسب کند. این همان "نهضتی" است که افتخار خود را در مبارزه قبل از انقلاب در این مدانست که نامه شکوایه از "اعلیحضرت" به وسیله امیرانظام را در میان دسته‌گل به سفارت امریکا تقدیم داشته بود. این همان "نهضتی" است که بعد از انقلاب "سه سه بار" به ۹ بار "از شرکت در انقلاب پشیمان شده بود، همان "نهضتی" است که می‌گفت "اگر به زعم امام امریکا دشمن کبیر است،

مارکسیسم (شوروی) دشمن اکبر است"، همان "نهضتی" که انقلاب را "تخریب" نامید، درصدد بازگرداندن سرمایه‌داران، حناستکاران فراری برآمد، با برژنفسکی ملاقات محرمانه انجام داد و... و سپس زیر علم "سپهسالار" قرار گرفت.

و امروز اگر می‌خواهید جبهه "نهضت آزادی" را مجدداً بشناسید از این آقایان بپرسید که آیا شما با اصلاحات ارضی به سود دهقانان زحمتکش موافقت می‌کنید؟ با دولتی شدن بازرگانی خارجی موافقت می‌کنید؟ با تحکیم و تقویت بخش دولتی و بخش تعاونی در اقتصاد کشور موافقت می‌کنید؟ با حرکت انقلاب به سوی مستضعفان، با برقراری عدالت اجتماعی به سود زحمتکشان و محرومان موافقت می‌کنید؟

پاسخ همه این پرسش‌ها اگر حرات داشته باشند، منفی خواهد بود زیرا "نهضت آزادی" سازمان سیاسی سرمایه‌داران و مالکان و استثمارگران است و به همین دلیل هم از انقلاب "سه سه بار" به ۹ بار "پشیمان شد درصدد برآمد پیشرفت انقلاب را به کمک "دولت موقت" متوقف کند مسیر آن را منحرف سازد، خواستار "بهبود" روابط با امریکا شد و از رهبری امام "کلافه" شد و امروز در صف ضدانقلاب قرار گرفته و خواستار "تسلیم" در برابر امریکاست.

اینها همه مطالبی است معلوم ولی به نکته بسیار مهم در رابطه با تجدید فعالیت "نهضت آزادی" به‌ویژه گفتنی است که شاید همه نیروهای انقلابی و همه مردم کوچک و بزرگ بدان توجه لازم را نکرده باشند و بنابراین رفقا باید در کار روشنگری خود مورد توجه خاص قرار دهند.

یک نکته این است: برای کشیدن دندان زهرآگین ضدانقلابی لیبرالها و همه دیگر نیروهای ضدانقلابی اگرچه مبارزه سیاسی - تبلیغاتی لازم است ولی کافی نیست، این "نهضت‌های آزادی" نمایندگان سیاسی طبقات بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و تا این طبقات وجود دارند، این "نهضت‌ها" اگرچه به هنگام احساس خطر ممکن است سر در لاک خود فروبرند، ولی بعضی اینکه اوضاع را "مساعد" تشخیص دهند، دوباره به جنب و جوش خواهند افتاد مبارزه با ایشان باید ریشه‌ای باشد، یعنی باید آن طبقاتی که ایشان نمایندگی سیاستشان را برعهده دارند از بین ببرد. منظور البته از بین بردن فیزیکی این طبقات، طبقه بزرگ سرمایه‌دار و طبقه بزرگ مالک نیست، منظور گرفتن اهرم‌های اقتصادی از دست آنان است تا این طبقات غارتگر وجود دارند، حتی اگر اس "بهبودها" نیز نباشند، و بکلی از صحنه برکنار شوند، باز مجدداً "بهبودها" و "جبهه‌های" جدیدی برای خود خواهند آمد. طبقه اجتماعی برای حفظ منافع خود در جامعه و در حاکمیت احتیاج به نمایندگان سیاسی دارد و تا وجود دارد نمایندگان سیاسی خود را بوجود می‌آورد، پرورش می‌دهد تقویت می‌کند، به صحنه می‌آورد فقط آرزوی انقلاب و کشور ما از شر این "نهضت‌های آزادی" رها خواهد شد که اهرم‌های اقتصادی از چنگ طبقه بزرگ سرمایه‌دار و بزرگ مالک گرفته شود. این یک نکته.

نکته دوم که از نکته یکم استنتاج می‌شود این است که نیروی راستگرای مخالف خط امام که می‌کوشد از اصلاحات بنیادین انقلابی به سود مستضعفان و پینده‌بدستان و کارگران و بطور کلی به سود زحمتکشان بدی و فکری روستایی و شهری جلوگیری کند، از برقراری عدالت اجتماعی به سود زحمتکشان جلوگیری کند، دانسته یا ندانسته آب به آسیاب این "نهضت‌ها" می‌ریزد، جلوگیری از پیشرفت انقلاب عملاً ایجاد زمینه "مساعد" برای

ضدانقلاب است ، نیروی انقلاب ، توده‌های میلیونی زحمتکشاند که به قول رئیس‌جمهور باید " چیزی " از انقلاب دریافت دارند این توده‌های میلیونی زحمتکش علاقه‌مندند و انتظار دارند از انقلابی که با نثار خون و فداکاری‌های بزرگ انجام داده‌اند و حفظ کرده‌اند ، ثمرهای بدست آورند . مقاومت نیروهای راستگرای مخالف خط امام و مخالف قانون اساسی را باید خنثی کرد و بدون مسامحه و تعلل ، تداوم حرکت انقلاب را به سوی مستضعفان و به سود مستضعفان تامین کرد .

نکته سومی که رفقا باید در کار روشنگری خود در نظر بگیرند ، و توضیح دهند این است که " نهضت آزادی " بار دیگر کور خوانده است . توده‌های میلیونی هنوز پشتوانه رزمنده انقلابند و رهبری امسام خمینی از نفوذ سیاسی - مذهبی عظیمی در بین این توده‌های میلیونی برخوردار است . اشتباه " نهضت آزادی " که اوضاع را برای تجدید فعالیت خود " مساعد " تصور کرده ، مانند اشتباه همه مرتجعین در تمام دنیا از اینجا ریشه می‌گیرد که همس توده‌های میلیونی را به حساب نمی‌آورند . چشم مرتجع طبقات نزدیکین است ، و بحر منافع آرسندانه خود و طبقه خود را نمی‌تواند ببیند . اگر چنین نبود حکومت‌های ارتجاعی متکی به طبقات ارتجاعی همیشه حاکم و پیروزند بودند ، انقلاب‌های رهاشبخش رخ نمی‌داد ، بشریت راه تکامل نمی‌پیمود ، فاشیسم آلمان شکست نمی‌خورد ، امریکا از ویتنام پا به فرار نمی‌گذاشت آریامهر سقط نمی‌شد ، ارتجاع نزدیکین است ، توده‌های مردم و قدرت آنها را نمی‌بیند و نمی‌تواند ببیند . " نهضت آزادی " نیز بار دیگر دچار این کوربینی طبقاتی شده است .

(۲۹)

ترور جنایتکارانه امام جمعه باختران

در هفته گذشته بار دیگر دست امریکا از آستین یک " منافق " تروریست بدرآمد و آیت‌الله اشرفی اصفهانی نماینده امام و امام جمعه باختران را به هنگام سرگزاری مراسم عبادی - سیاسی نماز جمعه بشهادت رساند . این اقدام جنایتکارانه که مسئولیت آن را رهبری خائن و مزدور باند رجوی در پاریس برعهده گرفت ، مانند جنایات نظیر مزدوران محارب امریکایی موجی از خشم توأم با سوگواری در سراسر مبین انقلابی ما برانگیخت و بانک رعدآسای " مرگ بر امریکا " در سراسر کشور طنین افکن شد .

ما همصدا با توده‌های انقلابی کشورمان ، انزجار عمیق خود را نسبت به این عمل جنایتکارانه ابراز می‌داریم و تروریسم و تروریست‌ها را به شدت محکوم می‌کنیم .

تروریسم سیاسی چه از نوع کور آن که به صورت انفجار بمب و قتل مردم بیگناه انجام می‌گیرد و چه از نوع " بینی " آن که شخصیت‌های مذهبی - سیاسی انقلابی پیرو خط امام را هدف قرار می‌دهد ، یکی از شیوه‌های عمل امپریالیسم جنایتکار امریکا و یکی از حلقات زنجیره توطئه‌هایی است که امپریالیسم امریکا به دست مزدوران یا فریب‌خوردگان خود علیه انقلاب ما بکار گرفته است . ولی تروریسم سیاسی درد بی‌درمان امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب هم‌دست او را هرگز درطی نکرده و نخواهد کرد ، بلکه برعکس چهره کریه جنایتکار امپریالیسم و ضدانقلاب را چنانکه هست آشکار می‌کند و توده‌های مردم را علیه " شیطان بزرگ " همواره بیشتر بخشم می‌آورد و با قاطعیت بیشتر وارد صحنه نبرد می‌کند . البته گرفتن هر شخصیت انقلابی لطمه‌ای است بر انقلاب ، البته گرفتن شخصیت‌های بزرگی نظیر شهید دکتر بهشتی ، شهید محمد منتظری ، شهید رحایی ، شهید دکتر باهنر ، ... و دیگران لطمات بزرگی بر انقلاب بوده است و لذا همانطور که آیت‌الله منتظری به مسئولان نوحه دادند ، باید با ده‌چندان هشجاری و

دقت در حفظ جان شخصیت‌های انقلابی، تمام تدابیر حفاظتی لازم و کسب‌آمی اتحساد شود. ولی تروریست‌ها بسرکردگی امیرالمؤمنین خنایت‌پیشه باید بدانند انقلابی که با قیام خلق چند ده میلیونی انجام گرفته و با قدرت انقلابی توده‌های میلیونی حفظ می‌شود هرگز با ترور این یا آن شخصیت، منزلزل نمی‌گردد. واکنش خشمگین مردم در باختاران و در سراسر کشور نسبت به ترور آیت‌الله اشرفی اصفهانی، این حقیقت را بار دیگر به‌عیان آشکار کرد.

گوشه‌هایی از محتوای قانون کار پیشنهادی آقای وزیر کار

در هفته گذشته اعلام شد :
" احمد توکلی لایحه پیشنهادی قانون جدید کار را تقدیم
هیئت دولت کرد که اتخاذتصمیم در این زمینه به بعد از
بررسی‌های لازم و همسازجانبه از سوی همه اعضای دولت و
دستگاههای ذیربط موکول شد "

(کیهان دوشنبه ۱۹ مهرماه)

مجلس شورای اسلامی نیز در جلسه علنی سه شنبه ۱۳ مهرماه (دو هفته پیش) لایحه ضدشورایی وزیر کار را با اکثریت آراء رد کرده بود. ناکامی های اخیر وزیر کار که فکر می کرد از ستون " لایحه شوراهای اسلامی کارکنان " تا ستون " لایحه قانون کار اسلامی " فرجی است برای پیشبرد سیاست کارگرسنج خود در مجلس و هیئت دولت ، قبل از هر چیز حصول مبارزات متشکل کارگران با خط کارگرسنج وزارت کار و سپس نتیجه رنند آگاهی مسئولان و نمایندگان پيرو خط امام نسبت به خطر جریان راستگرایی مخالف و نیز درک عمیق تر آنان از اهمیت حیاتی حفظ و تحکیم پیوندهای خط امام با کارگران و زحمتکشان است .

تدوین یک قانون کار و تأمین اجتماعی مترقی و درخور انقلاب از پیروزی انقلاب تاکنون ، همواره به مثابه یک ضرورت مبرم برای طبقه کارگر ایران مطرح بوده است . کارگران در شام سمیتارها و کنگرها و دیگر اجتماعات سیاسی و صنفی خود خواهان آن بوده اند که با مشارکت فعال آنها یک قانون کار و تأمین اجتماعی که با آماج های انقلاب انطباق داشته باشد تدوین و از سوی مجلس مورد تصویب قرارگیرد. علیرغم تلاش های دامنه دار خط کارگرسنج وزارت کار برای منسوخ کردن قانون اساسی ، کارگران درمی یابند که قانون اساسی تنها شالوده ای است که براساس آن می باید قانون کار جدید تدوین و تصویب شود . در قانون اساسی جمهوری اسلامی مضامین مربوط به حقوق کار و تأمین اجتماعی ، در اصول و بندهای متعددی بصراحت بیان شده است. اصول پیندهایی که آیت الله بهشتی و دیگر سخنگویان راستین خط امام در تدوین و تصویب آن نقش تعیین کننده داشتند .

پیش نویس قانون کاری را که وزیر کار و همفکرانش تهیه کرده اند نه در اختیار مجامع کارگری قرار گرفته و نه در مطبوعات کشور انتشار یافته است . با اینهمه ، وزیر کار و معاونان ایشان طی مصاحبه هایی که بطور پراکنده صورت گرفته مبنای قانون کاری را که تنظیم کرده اند ، تا حدودی بیان داشتند .

از نظر وزیر کار اولین اصلی که مبنای تنظیم قانون کار باید قرار گیرد " اصل تراضی " است تفسیر وزیر کار از این اصل این است که کارفرمای سرمایه دار هیچگونه تکلیف اجتماعی و تعهد قانونی نسبت به کارگران برعهده ندارد ، مگر در مواردی که خود کارفرمای سرمایه دار راضی به انجام تکالیف و تعهداتی باشد . از نظر آقای توکلی " کارفرما باید مختار باشد که بهر نحو لازم دید سرمایه حلالش را در جهت توسعه اقتصادی بکار اندازد و نباید قید و بند برایش درست کرد " او معتقد است که " تنها محل آزمایش بنندگان خداست ، هرکس مختار است در این عرصه خود را بیازماید و برای انجام آزمایش " اختلاف " سطح ، میان آزمایش شوندگان امری است ناگزیر "

(از سخنان وزیر کار در سمینار مدیران صنایع)
براین پایه ، خط کارگرسنج وزارت کار ، همه دستاوردهای مبارزات طبقه کارگر ایران را که طی ۱۰۰ سال مبارزه پرفراز و نشیب است به سود منافع سرمایه داران گان لم یکن اعطای می کند تعهدات مالی تأمین اجتماعی از بوی کارفرمایان برداشته می شود . در طی سخننامه مورخ ۲۵ شهریور ۶۱ ، کارفرمایان سرمایه دار از پرداخت حق بیمه کارگران معاف می شوند ، برحسب اساس نزع وزارت آباد هر شورای کارگری مادام که موفق به جلب رضایت کارفرمای سرمایه دار نگردد باشد " سرلانونی " است (سخننامه مورخ ۲۵ شهریور ۶۱) تشکیک کارگری مادامی " قانونی " است که کارفرمای سرمایه دار آن را برسمیت نشناسد !

دومین اصلی که راهنمای وزیر کار در تنظیم قانون کار جدید است این اصل است که " کارگر اجبر کارفرماست " در قانون کاری که وزیر کار تنظیم کرده سیستم مزد صورت پیمانی و کنتراستی دیده برای انجام کار همین در زمان معین کارگر نیروی کارش را اجاره می دهد و پس از انجام کار در آن مدت و دریافت مزد دیگر کارگر هیچ حقی چه از نظر امنیت شغلی و چه مزایای مابعد و رخصه غنمی و غیره ندارد ، کارگر برای ادامه کار باید قرارداد دیگری با کارفرما ببندد و البته در هر حال کارفرمای سرمایه دار این " اختیار " را دارد که اگر خواست قرارداد را فسخ نماید !
در اینجا نیز ، بسیاری از دستاوردهای طبقه کارگر از جمله

حق اعتماد بر همان های جمعی ، نظارت تشکلهای کارگری بر امر
استخدام و اخراج و نظائر آن با خشونت تمام زیرا نهاده می شود
مستند رضایی معاون وزیر کار طی سلسله مصاحبه های رادیویی
در برنامه کارگر ، هرگونه اجبار کارفرما برای پذیرفتن حقوقی
نسبت به کارگر را در قانون کار "غیرشرعی" دانسته و آن را
برود می داند. از نظر مستند رضایی که بدافع ماده ۲۳ قانون کار
طافوت است ، آن بخش از حقوق کارگران نیز که به اعتبار
سازرات کارگران ، رژیم طافوت مجری به نظر می آید و در
قانون کار سابق امکان یافته بود هم "غیرشرعی" است ، علاوه
قای توکلی با صراحت می گوید :

"جلوگیری از کار کودکان در سنین کمتر از ۱۲ سال ، برخصی
سالیانه ، برخصی زنان باردار ، ۳ هفته قبل از زایمان و ۶ هفته
پس از زایمان ، تماما "غیرشرعی" است او آشکارا می گوید ،
"کارکردن زنان ، تصحیح دقیق و ناشیوبی شهرانشان است"
اصل دیگر راهنمای خط کارگرمستند در تنظیم قانون کار ،
یعنی خویشو یکی دیگر از معاونان توکلی ، در مصاحبه با روزنامه
طلاعات چنین می گوید :

"در روابط گدیزی بین کار و مزد (منظورش کارگر است) و صاحب
کار که فقه اسلام درمقتضای این روابط را تعیین کرده است در این پایه
شود و مشورت معنی ندارد

خط کارگرمستند وزارت کار ، آشکارا در برابر خواسته کارگران که
خواهان مشارکت فعال در تدوین قانون کار هستند اعلام می کند
که هیچ رضی به کارگران ندارد که همه قانونی بر سرپوشش آنان
حاکم خواهد بود. این اصل یکی از ارزنده ترین دستاوردهای
انقلاب یعنی مشارکت ملیونی بود فضای مردم را در اداره امور
انکار می کند و بدون هیچگونه برده پوشی بنابر قانون اساسی است
که : "مشارکت عامه مردم را در تعیین سرپوشش سیاسی ، اقتصادی
اجتماعی و فرهنگی خویش" یک اصل مسلم می داند .

جان مایه شرعی "بخطنامه شدتورایی دقایق ماه ۶ و وزیر کار نیز
همین اصل ضد اصل قانون اساسی است ، اکنون ، خط کارگرمستند
وزارت کار را تمام قوا تلاش می کنند "لایحه قانون کار اسلامی" را
که بر مبنای اصول یادشده تدوین کرده است با قید "فوریت" به
مجلس شورای اسلامی تحویل کند . وزیر کار که با رد "لایحه
شوراهای اسلامی کارکنان" از در رانده شده است ، این بار با
پیشنویس "قانون کار اسلامی" می خواهد از پنجره وارد شود و
پیش از آنکه مجلس با تکسلی و تصحیح طرح ۱۵ نماینده ، حقوق
شورایی و سندیکایی کارگران مصرعه در قانون اساسی را مهر
ناشید گویند ، خط کارگرمستند عرصه را بخیر و صفت و انتشار قانونی
ببندد .

خط کارگرمستند وزارت کار مالبوسانه می گویند خود را خط امام جا
زود ، وظیفه ماست که نگذاریم این ترهیم صریح راستگرای
مخالف خط امام برای برانگیدن کارگران از آسودن خط امام تحریف
یابد . مواضع خط امام در این عرصه روشن است و کارگران این
مواضع را از زبان برجسته ترین مسئولین خط امام از جمله
حجت الاسلام و المسلمین بارها شنیده اند که بگفت :

"در اسلام آقایان ، قانون اساسی پادشاهان محسوب ، قانون اساسی
دولت اسلامی را مجبور کرده بماند شرایطی درست کند که کارگر
مجبور نباشد کارش را به قیمت ارزانیتر عرضه بکند ، مجبور نشود
که یک کار تحمیلی را قبول بکند ، دولت باید شرایطی درست
کند که کارگر اولاً انتخابات کند که شغل به او تحمیل نشود ،

مجبور نباشد که شغلی نمی پسندد برود ، بعد هم که انتخاب کرد
اریاب به او بگوید ما ۵۰ تومان می دهیم می خواهی بیا بگسز ،
می خواهی چشمت کور، این نمی تواند باشد اگر ایستور نبود این
ظلم است و این ظلم قبول نیست و این تعدی است و تجاوز
است . ممکن است با یک فرمول ساده بگویند طرف رضایت داده
المومن عنه شروطهم ، اما روح اسلام ابا می کند از این

وظیفه انقلابی ماست که در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب
و تحکیم هرچه بیشتر خط امام با محرومان و زحمتکشان هم صدایا
کارگران ، ماهیت ضدکارگری و انقلاب شکنانه اقداماتی را که
خط کارگرمستند وزارت کار پیش برنده آن است افشا کنیم .

ضرورت مشارکت هر چه گسترده تر نمایندگان تشکلهای کارگری را
در تدوین و اجرای قانون کار جدید ، و سبباً توضیح دهیم ، به
کارگران کمک کنیم که فرهاد اعتراض خود را نسبت به قانون کار
پیشنهادی وزیر کار به گوش نمایندگان و مسئولان خط امامی
برسانند و از خواست برحق خود که تدوین و تصویب قانون کار
جدید بر اساس قانون اساسی و با در نظر گرفتن نظرات آیت الله
شهید دگر بهشتی و دیگر رهبران اصیل خط امام است دفاع کنند

بازگشایی دانشگاهها از نیازمندی‌های
مهم انقلاب و شکوفایی کشور است

تعطیل درازمدت دانشگاهها که کشمکش کنونی در آموزش عالی را باعث شده از جمله میدان‌هایی است که رویارویی و تهرود "خط‌ها" در آن به‌وضوح جریان دارد هر روزی که می‌گذرد آثار بهشت‌سیری از این نابسامانی پس‌پس‌سرد آشفته‌سیر، رخ می‌نماید. در هفته‌های گذشته اعضای منسب انجمن انقلاب فرهنگی و وزیر آموزش عالی به همراه رئیس جمهور و نخست‌وزیر

با امسام خمینی ملاقات کردند. طرح مسائل و مشکلات مربوط به دانشگاهها و آموزش عالی کشور در اجتماع چنین شخصیت‌هایی در حضور امسام خمینی حاکی از شدت نبرد خط‌ها، برداشت‌ها و بینش‌ها در این مرصه حیاتی است.

در پایان این دیدار با اهمیت، آقای شریعتمداری عضو ستاد انقلاب فرهنگی که در دیدار قبلی خود با امام، "ضوابط و معیارهای انتخاب مدیران دانشگاهها و استادان و دانشجویان را قطعی و تعیین شده اعلام کرده بود، گفت:

"بر اساس تصمیم متخذه که مورد تأیید امام است قرار گرفت، مقرر شده که مسئولیت تعیین ضوابط انتخاب مدیران دانشگاهها و استادان و دانشجویان بعهده ستاد انقلاب فرهنگی باشد و اجرای ضوابط و تعیین مدیران دانشگاهها و استادان و گزینش دانشجویان بعهده وزارت فرهنگ و آموزش عالی" (اطلاعات ۲ سپر) آقای شریعتمداری در همین مصاحبه گفته است:

"تدوین برنامه‌های اجرایی و تشخیص و تطبیق موارد عینی با ضوابط مصوب، و مدیریت امور اجرایی و جاری بعهده وزارت فرهنگ و آموزش عالی است"

این گفته بیان نوعی تقسیم کار است نه بیان حل اختلاف نظرها و در نتیجه، مسئله اساسی یعنی بازگشایی دانشگاهها که امام بارها لزوم آن را اعلام داشته‌اند، بنظر می‌رسد که هنوز زیر علامت سؤال است چرا که اکثریت اعضای ستاد انقلاب فرهنگی تاکنون نشان داده‌اند که در زمینه تعیین ضوابط انتخاب مدیران دانشگاهها و استادان و دانشجویان "روش‌هایی را بکار بستند که عملاً مانع از بازگشایی دانشگاهها شده است. چندی پیش (۱۷ شهریور) از سوی معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی مصاحبه‌ای اعلام گردید که:

"متأسفانه از آنجایی که هنوز تا این تاریخ (تعیین سیستم مدیریت دانشگاهها، نظام آموزش عالی کشور و برنامه‌های آموزشی) به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی نرسیده و یا در صورت تصویب هنوز اعلام نشده است، لذا امکان برگزاری امتحان گزینش دانشجو برای کلیه رشته‌های دانشگاهی با توجه به محدودیت زمانی در سال جاری میسر نیست"

ایجاد موانع در امر بازگشایی دانشگاهها آنچنان است که اخیراً در اول مهرماه حجت الاسلام رفسنجانی با اعتراض و خطاب به دست‌اندرکاران ستاد انقلاب فرهنگی گفت:

"اخطار شده است (به مسئولین امر) امام فرموده‌اند و امام گاهی تغییر کرده‌اند که هرچه زودتر باید دانشگاهها باز شود و ما هم می‌گوئیم... مسئولان کشور از تاخیر ناراحتند و خود همین اخطار است، یعنی باید دانشگاهها هرچه زودتر باز شود (جمهوری اسلامی - اول مهرماه)

آقای رفسنجانی که به مناسبت گشایش مدارس در اول مهرماه سخن می‌گفت افزود:

"یک روز هم دیگر فرصت بازگشایی دانشگاهها را نباید زایل کنیم هر روز که بازگشایی هر رشته‌ای را به تاخیر اندازند خسارت است... کسانی که مسئولیت این کار را دارند، اگر یک روز هم بی‌جهت بازگشایی رشته‌های دانشگاهی را به تاخیر اندازند گناه کرده‌اند و باید این کار را هرچه زودتر تمام کنند"

در برابر تمامی این تأکیدات که موضع خط امام را در بازگشایی هرچه سریع‌تر دانشگاهها بازگو می‌کند، آقای شریعتمداری از طرف اکثریت اعضای ستاد انقلاب فرهنگی در مصاحبه‌ای با اطلاعات چنین می‌گوید:

"رفع نیاز جامعه از نظر متخصص در رشته‌های مختلف موضوعی نیست که بخواهیم عجولانه آن را برطرف کنیم و استاد خلق کرده و دانشجوی زیاد بپذیریم!"

ستاد انقلاب فرهنگی در زمینه تعیین ضوابط انتخاب استاد و دانشجو نیز تنها این خدمت را کرده است که گروه‌های بسیاری از جوانان موسس و متعهد به انقلاب را از تحصیل در دانشگاهها و مدارس عالی محروم کند.

برای نمونه کافی است گفته شود که تنها در رشته پزشکی که این همه مورد تأکید مسئولان و نمایندگان پیرو خط امام می‌باشد، در چند هفته اخیر تنها در دانشکده پزشکی تهران، ۲۲ نفر از دانشجویان را اخراج کرده‌اند که ۱۵ نفر از آنها دانشجویان سال

آخر و با انترن بوده‌اند. در دانشکده‌های پزشکی تبریز نیز، از ۳۶۴ دانشجوی این دانشکده ۱۱۷ نفر بطور مشروط نام‌نویسی (معنی در آستانه اخراج) و ۸۱۰ نفر اخراج شده‌اند. بوج اخراج دانشجویان که به دستور ستاد انقلاب فرهنگی صورت می‌گیرد بی‌وقعه ادامه دارد. نهادر دو هفته اخیر فقط در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران حدود ۶۰ نفر ثبت‌نام شده‌اند. و این درحالی است که از سوی وزارت بهداشتی برای جلب پزشکان ایرانی مقیم خارج به لندن و وین سفر کرده است !!

سیاست اکثریت اعضای ستاد انقلاب فرهنگی در انتخاب استاد و پذیرش دانشجو، گویای سیاست خالی‌کردن دانشگاهها از استاد و دانشجو است، نفتیش عقاید، تصفیه و اخراج‌های بی‌دلیل و غیرقانونی و خصومت کین‌نوزانه نسبت به پشتیبانان دگراندیش خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی از مشخصه‌های سیاست مخربی است که از جانب اکثریت اعضای ستاد انقلاب فرهنگی به اجرا درمی‌آید و این درحالی است که حجت‌الاسلام رفسنجانی و دیگر سخنگویان شناخته‌شده خط امام تاکید کرده‌اند که:

“خط‌گنی این است که کسی را به صرف داشتن یک عقیده

سیاسی از تحصیل محروم نکنیم
مسئولین امر در پاسخ به اعتراضات مکرر دانشجویان تصفیه‌شده و فشار نیروهای واقع‌بین درون حاکمیت اخیرا اقدام به انتشار اطلاعاتی کرده‌اند که برطبق آن به دانشجویان اخراجی بر مبنای واحدهایی که گذرانده‌اند مدارکی می‌دهند که برطبق اعلام خود آنان “برای ادامه تحصیل معتبر نیست” (اطلاعات ۵ مهرماه)
این اقدام در جهت کاهش فشار و اعتراضات دانشجویان ناحق تصفیه‌شده و به منظور انصراف آنان از حقوق حقه و مسلم خود صورت گرفته است. تلاش در جهت بازگشت به دانشگاه و ادامه تحصیل که از سوی دانشجویان تصفیه‌شده صورت می‌گیرد، برطبق نص صریح قانون اساسی و نظرات نمایندگان خط امام، تلاشی کاملاً قانونی، موجه و انقلابی است.

توجه جدی‌تر مسئولان طراز اول و خط امامی جمهوری اسلامی به مسائل و مشکلاتی که آموزش عالی کشور با آن درگیر است این امید را پدید می‌آورد که اقدامات غیرقانونی و انقلاب‌شکانه مهار گردد. دانشگاهها هرچه سریعتر بازگشایی شود. اخراج‌ها و تصفیه‌های بی‌رویه پایان پذیرد.

پیرامون تشکیل شورای مرکزی ائمه جمعه

در پایان سمینار دو روزه ائمه جمعه مراکز استانها ۲۵ و ۲۲ مهر ماه که به دعوت آیت الله منتظری برگزار شد، قطعنامه‌ای انتشار یافت که طی آن تشکیل شورای مرکزی ائمه جمعه اعلام گردید. اعضای این شورا که با اکثریت آرای ائمه جمعه مراکز استانها انتخاب شده‌اند عبارتند از:

امام جمعه تهران، رئیس‌جمهور خامنه‌ای، آیت الله مشکینی، امام جمعه قم، آیت الله طاهری، امام جمعه اصفهان، آیت الله خاتمی، امام جمعه یزد، و آیت الله ملکوتی، امام جمعه تبریز.

هدف از تشکیل این شورای ۵ نفره، آنچنانکه در قطعنامه آمده است "مشکل‌تر و منسجم‌تر ساختن ائمه جمعه سراسر کشور می‌باشد" از جمله تصمیمات تشکیل یک دبیرخانه زیر نظر این شورا است که به موجب ماده ۵ قطعنامه "برای هماهنگ‌نمودن محتوای خطبه‌های نماز جمعه، دبیرخانه موظف است طی هفته موضوعات مهم سیاسی اجتماعی مربوط به کباب انقلاب اسلامی در بعد داخلی و خارجی آن را بررسی و در اختیار آنان قرار دهد" در این سمینار به تصویب رسید که دولت، شورای عالی قضایی، و مسئولین ارگانهای انقلابی، چون سپاه پاسداران، جهادسازندگی، و فیران هر کدام فردی لایق و کاردان را با اختیارات کافی جهت رسیدگی و ایجاد هماهنگی لازم تعیین و به شورای مرکزی ائمه جمعه معرفی کنند "از دیگر تصمیمات مهم "اقدام لازم" برای "انتشار یک مجله وزین به عنوان ارگان رسمی دبیرخانه" است.

در شرایطی که انقلاب و خط ضدامپریالیستی و مردمی ام‌س‌ام خمینی از هر سو آماج توطئه‌های ضدانقلاب سرکردگی امپریالیسم امریکاست، تصمیمات سمینار دوازده ائمه جمعه مراکز استانها، تدابیر عملی موثری در راه مشکل‌تر ساختن روحانیت سراسر پیرامون خط ام‌س‌ام خمینی است. این تصمیمات به‌ویژه از آنرو واجد اهمیت سیاسی فراوان است که مخالفان و دشمنان خط امام، که مانند "اسلام‌خواهی" بر چهره دارند، و در میان بخشی از روحانیت نیز دارای پایگاه و نمایندگانی هستند هر روز خود را مشکل‌تر می‌سازند.

تشکیل ائمه جمعه سراسر کشور و به‌ویژه هماهنگ‌ساختن محتوای خطبه‌های نماز جمعه، امکانات جریان راستگرای مخالف خط امام را که به‌ویژه از تربیون‌های نماز جمعه در جهت هدف‌های انقلاب‌شکنانه

خود خود می جوید ، به سود خط ضد امپریالیستی و مردمی امام محدود می کند و گامی است در جهت لگام زدن به تهاجم تبلیغاتی و سیاسی آن .

متشکلتر و منسجم تر شدن روحانیت مبارز پیرو خط امام ، می تواند به عامل با اهمیت و آینده سازی فراروید که هدف های استقلال طلبانه ، آزادمنشانه و عدالت جویانه انقلاب و خط امام را در میان توده های مردم بطور گسترده تری اتااعه خواهد داد پیوند خط امام را با توده های میلیونی مردم تحکیم خواهد بخشید چنین عاملی در دفاع و پاسداری از قانون اساسی ، سهمی شایسته بر عهده خواهد داشت .

تشدید توطئه‌های ارتجاع پس‌کردگی امریکا در منطقه

در دو هفته گذشته ارتجاع منطقه جنب و جوش زیادی داشته است. سرچشمه‌تر از همه گردهمایی وزیران جنگ کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج فارس" بود که به مدت دو روز در ریاض پایتخت عربستان سعودی برگزار شد و روز دوشنبه ۱۹ مهرماه به کار خود پایان داد. وزیر جنگ عربستان سعودی در گفتار خود به هنگام کنایش این گردهمایی گفت:

"از زمان برگزاری نخستین گردهمایی وزیران جنگ ۶ کشور عضو این شورا (اسفند ۶۰) تاکنون دگرگونی‌های چندی در

مناطق عرب‌نشین و خلیج (فارس) رخ داده است که نتایج و پیامدهای جدی برای صلح و امنیت کشورهای عضو شورا و مردم آنها در بر داشته است

وی با تکیه بر " مشکل " ایران و جنگ ایران و عراق خواست که اعضاء " شورای همکاری خلیج (فارس) " برای بالابردن توانمندی (نظامی) ملت عرب (بیسی رژیم‌های مرتجع به‌ویژه اعضاء شورا) " بساحت و افزایش مجدد نظامی خود بپردازند " دگرگونی‌هایی " که از " اسفند ۶۶ تاکنون " پدید آمد و " نگرانی " وزیر جنگ عربستان سعودی و هم‌نامان وی و کردهمایی آنها را برانگیختند . پیش از همه دگرگونی‌های جنگ ایران و عراق است . " شورای همکاری خلیج فارس " از همان آغاز جنگ تحمیلی را وسیله عمده برای آوردن ایران انقلابی می‌شاحت و به شیوه‌های گوناگون در پی گسترش آن بود . پیروزی‌های ایران بسیاری از حساب‌های آنها را بوج کرد اما ادامه جنگ و هوجبگری‌های رژیم ارتجاعی عراق در این باره که گویا ایران قصد اشغال سرزمین‌های عراق را دارد و تن به هیچ‌گونه صلحی نمی‌دهد زمینه تازه‌ای برای سازکردن نیرنگ‌ها و توطئه‌های تازه از سوی رژیم‌های ارتجاعی منطقه فراهم کرده است . همچنانکه در کردهمایی اخیر وزیران جنگ " شورای همکاری خلیج فارس " نیز آشکار شد . ارتجاع منطقه می‌کوشد توطئه علیه جنبش انقلابی منطقه و بطور عمده ایران انقلابی را زیر پوشش " دفاع از منافع ملت‌های عرب " که گویا " شدیداً در تهدید است " پیش ببرد .

عبدالله‌بشاره دبیرکل " شورای همکاری خلیج فارس " در پایان کردهمایی وزیران جنگ این شورا گفت :

" هر ۶ کشور به توافق رسیدند که امنیت، غیرقابل تقسیم است و باید بصورت سیاست جمعی و متشکل بدست آید " ! وزیر جنگ سعودی در آغاز کردهمایی در همین زمینه گفت :

" کشورهای خلیج (فارس) علاقمند به ساختن یک قدرت لایق و توانای نظامی هستند " همچنین عبدالله‌بشاره در پایان کردهمایی گفته است :

کنفرانس معتقد است که ثبات و امنیت در منطقه تنها از طریق یک استراتژی مشترک و یک نیروی مشترک می‌تواند تحقق پذیرد " در این کردهمایی ایجاد " یک سازمان واحد برای صنایع نظامی در جارجوب شورای همکاری خلیج فارس " و سرمایه‌گذاری مشترک در این زمینه نیز مورد توجه قرار گرفته است .

تشکیل یک نیروی مشترک نظامی ، اجرای یک استراتژی واحد سیاسی و نظامی ، پی‌ریزی یک سازمان واحد صنایع نظامی ، سازماندهی مشترک خرید تجهیزات نظامی ، سرمایه‌گذاری مشترک در همه رشته‌هایی که به‌ویژه به امور نظامی مرتبط می‌شوند ، با هدف " ساختن یک قدرت لایق و توانا " برای " حفظ ثبات و امنیت در منطقه " یعنی برای توطئه و تجاوز علیه نیروهای صدام‌پریالیست منطقه ، به‌ویژه ایران که به نظر اعضاء شورا ...

و امریکا عامل بهم‌زدن " ثبات و امنیت " منطقه هستند . جوهر گفتگوها و توافقات در کردهمایی وزیران جنگ " شورا " ...

بوده است . مروری بر مضمون گفته‌ها و توافقات و پیش‌بینی‌های اخیر " شورای همکاری خلیج فارس " به روشنی نشان می‌دهد که امپریالیسم امریکا این " شورا " را برای انجام وظیفه زلنداری در خلیج فارس و خاورمیانه و نزدیک‌اشامان تجهیز می‌کند . هم‌زمان و هماهنگ با تلاش‌های اعضاء " شوراها همکاری خلیج فارس " در این دو هفته، سایر دولتهای ارتجاعی منطقه از جمله دولت ترکیه و رژیم ضباط‌الحق نیز مشغول دید و بازدید و گفتگو و تصمیم‌گیری‌های تازه بودند .

در هفته پیش ریچارد پیرل ، معاون وزارت دفاع امریکا در راس یک هیات بلندپایه برای گفتگو با سردمداران حکومت ترکیه بهرامون مسائل " دفاعی " و ... وارد آنکارا شد در این دیدار که بازتاب گسترده یافت ، بار دیگر همکاری‌های همه‌جانبه و مناسبات دوستانه دولت ترکیه و امپریالیسم امریکا مکرراً مورد تأکید قرار گرفت و طرفین گوشه‌ای از برنامه‌های وسیع خود را برای گسترش همکاری ، به‌ویژه در زمینه نظامی و مجهزکردن ارتش ترکیه اعلام نمودند .

معاون وزیر دفاع امریکا در گفتگویی در آنکارا گفت : " ایالات متحده امریکا از هیچ‌گونه کوششی برای مدرنیزه‌کردن

نیروهای هوایی، دریایی و زمینی ترکیه دریغ نخواهد ورزید
وی همچنین گفت:

در گفتگوهایی که انجام گرفت نیازهای ارتش ترکیه و از جمله صنایع دفاعی آن مورد بررسی قرار گرفت. هرل، معاون وزیر دفاع امریکا یک هفته در ترکیه بود و در این مدت از پایگاه‌های متعدد امریکا و ناتو در این کشور بازدید کرد.

به سوازیات دیدار معاون وزیر دفاع امریکا از ترکیه و بلیام کیسی رئیس سازمان مرکزی جاسوسی امریکا "سی. آی. ا." نیز از ترکیه دیدن کرد. دیدار رئیس سازمان سیا از ترکیه و گفتگوهای وی با سردمداران رژیم دست‌نشانده اگرچه از سوی محافل گوناگونی منعکس شده است، اما مضمون آن همچنان در برده نگه‌داشته شد.

درست همزمان با دیدارهای معاون وزیر دفاع و رئیس سازمان "سیا" امریکا از ترکیه، رژیم عراق مدعی شد که:

"بولنداولوسو نخست‌وزیر ترکیه طی یک مصاحبه مطبوعاتی در تونس، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان کشوری که مایل به خاتمه جنگ نیست (آزادگان ۱۸ مهر) معرفی کرده است. البته آنجنانکه در مطبوعات ایران منعکس شده ظاهراً سفیر ترکیه در ایران این موضع‌گیری را تکذیب کرده است اما رویدادهای این هفته نشان می‌دهد که چه بولنداولوسو چنین سخنی گفته باشد و چه نگفته باشد، رژیم دست‌نشانده ترکیه عملاً به سود رژیم ارنجایی عراق و علیه انقلاب ایران مشغول توطئه است.

در هفته گذشته "بانک عمران اسلامی" ۱۸ میلیون دلار به ترکیه وام داد تا این کشور "این منبع را صرف واردکردن نفت خام از عراق" کند. برابری‌های منعکس‌شده "بانک عمران اسلامی" در سال جاری تاکنون ۹۵/۷ میلیون دلار به ترکیه وام داده است. تا آنجا که روشن است بخش اعظم این وام‌ها تاکنون صرف خرید تجهیزات جنگی شده است "بانک عمران اسلامی"

یکی از آن حلقه‌هایی است که ارتجاع عرب و شیوای همکاری حلبج فارس "از آن طریق به حمایت و تقویت رژیم دست‌نشانده ترکیه و دارودسته ارتجاعی عراق مشغول است. علاوه بر این، پس از یک رشته گفتگو در هفته گذشته ترکیه و عراق در مورد "طرح افزایش ظرفیت یک خط لوله نفتی که از دو کشور می‌گذرد و هم‌اکنون تنها راه عبور نفت عراق به مدیترانه است" به توافق رسیدند. روشن است که این "اقدامات اقتصادی" و ظاهراً "عادی" وقتی در رابطه با مجموع رویدادهای منطقه و سمت‌وسوی تلاش‌های مشترک رژیم‌های ارنجایی منطقه بررسی و ارزیابی شوند آنگاه مفهوم واقعی‌شان روشن می‌شود و معلوم می‌گردد که ارتجاع منطقه به اشکال گوناگون در کار محاصره و تضعیف انقلاب ما هست و مدام دامنه توطئه‌های خود را می‌گسترده.

در همین زمان "سپهبد محیب‌الرحمان" رئیس وزارت اطلاعات پاکستان نیز روز سه‌شنبه ۲۰ مهر راهی واشنگتن شد. براساس گزارش‌ها وی قصد دارد دو هفته در آنجا بماند و زمینه را برای تفسیر ضیاء‌الحق رژیم سرسپرده پاکستان به امریکا فراهم کند. تدارک سفر ضیاء‌الحق به امریکا در شرایطی انجام می‌شود که از یک‌سو اولین پرونده هواپیماهای جنگی اف-۱۶ از مجموع ۲۰ هواپیماهایی که امریکا به پاکستان تحویل می‌دهد همین هفته تحویل رژیم ضیاء‌الحق شد و از سوی دیگر رهگان آشکارا اعلام کرده است دارودسته‌های ضدانقلابی افغان را مستقیماً مسلح و مجهز می‌کند، تصمیم دولت رهگان که با مخالفت وسیع مردم امریکا روبرو

است، برای تسلیم دسته‌های ضدانقلابی شکست‌خورده و برای بسیج مجدد آنها علیه مردم افغانستان اتخاذ شده است. پس دارودسته‌ها خدمات چندجانبه‌ای را می‌توانند برای امریکا و رژیم ضیاء‌الحق انجام دهند و حتی یکی از موضوع‌های عمده گفتگوهای ضیاء‌الحق و رهگان در سفر آتی ضیاء به امریکا همین خواهد بود. رژیم ضیاء‌الحق در حالی به توطئه علیه افغانستان و ایران شتاب می‌دهد که مردم پاکستان با امتصاها، تظاهرات و شورش‌های پهنای بیش از پیش علیه امپریالیسم امریکا و رژیم دست‌نشانده آن بهایی‌خیزند اکنون "شورای همکاری خلیج فارس" به عنوان یک بازوی عمده امپریالیسم امریکا رژیم ضیاء‌الحق را چه برای مهار جنبش توده‌ای در پاکستان و چه برای سازکردن توطئه‌های جدید علیه افغانستان و ایران انقلابی بیش از پیش باری می‌رساند. در واقع می‌توان گفت که پاکستان عضو

غیررسمی این شورا است که از همه " مزایای " این اتحاد ارتجاعی بطور کامل بهره‌مند می‌شود. ضیاء الحق اخیراً در رابطه با گردهمایی وزیران جنگ " شورای حلیح فارس " با ستایش از دستاوردهای این گردهمایی گفت :

" پاکستان از سیاست‌های کشورهای منطقه خلیج فارس (سیاست شورای همکاری ...) پیروی می‌کند " ضیاء الحق " بر اهمیت اعتماد کشورهای اسلامی (اعضا شورا ...) به نیروی خود در دفاع از آنچه وی استقلال می‌نامید ، تأکید کرد (کیهان ۲۱ مهر - ۱۳۶۱)

در کنار رویدادهایی که بر سر مردم تلاش‌های اخیر رژیم ارتجاعی سودان برای کمک مستقیم نظامی به رژیم صدام نیز به چشم می‌خورد . رژیم سودان با آغاز تلاش‌های وسیعتری علیه انقلاب ما عضویت خود را در جبهه رژیم‌های ارتجاعی منطقه محکمتر و مؤثرتر می‌کند و طبیعتاً در قبال این خوش‌خدمتی‌ها از " مزایای " بیشتری نیز بهره‌مند خواهد شد .

تشدید تلاش‌ها و توطئه‌های رژیم‌های ارتجاعی عرب علیه انقلاب ما با محاسبات ویژه‌ای همراه است. رژیم‌های مرتجع عرب از این طریق هم خواست عمده ارتجاع بسرکردگی امریکا را برآورده می‌کنند و هم می‌کوشند با علم کردن خطر ایران ، با مهاجم و متجاوز نشان دادن ایران ، مردم عرب را فریب دهند ، خود را مدافع " منافع ملت‌های عرب " معرفی کنند و بر رسوایی‌هایی که در نتیجه تهاجم امریکایی - صهیونیستی به لبنان دانند ، آنها شده است سرپوش بگذارند . تشدید توطئه‌های منطقه علیه ایران ، افغانستان ، حبشه ، بآباداری و دیگر جنبش‌های مردمی در منطقه با تشدید اعتراضات و مبارزات مردم علیه آنها همزمان است . ارتجاع منطقه پس از پیروزی انقلاب ایران و در پی تهاجم امریکایی - صهیونیستی به لبنان با تلاوت بازهم گسترده‌تر مردم روبرو شده است . موفقیت نیروهای ارتجاعی در منطقه ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود و هاری آنها هم از ضعف آنان است نه از قوتشان . با اینهمه نیروهای ضدامپریالیست و مردمی منطقه بسررای درهم شکستن توطئه‌های ارتجاع بسرکردگی امریکا در منطقه ، برای تثبیت و تحکیم دستاوردهای مبارزه مردم و گسترش اس دستاوردها بیش از هر چیز و بیش از هر چیز نیازمند نبردی واقع بینانه و انقلابی در راه گسترش و استحکام اتحاد نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی هستند . می‌توان گفت که در شرایط کنونی ، بهره‌گیری از همه امکانات بخاطر ایجاد گسترده‌ترین و مستحکمترین اتحاد میان کشورها و نیروهای ضدامپریالیست منطقه بیش از همیشه اهمیت می‌یابد .

گردهمایی وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد

گردهمایی شش روزه وزیران خارجه کشورهای عضو " جنبش غیرمتعهدها " که هفته گذشته در مقر سازمان ملل متحد برگزار شد با صدور یک بیانیه مشترک پایان یافت . در این بیانیه تهاجم امریکایی - صهیونیستی به لبنان شدیداً محکوم شد و امریکاییسم امریکا پشتیبان و باریزبان رژیم صهیونیستی در جریان توطئه‌های ددمنشانه آن علیه فلسطینیان شناخته شد . در بیانیه آمده است :

" سیاست تروریستی این رژیم (رژیم صهیونیستی) در نتیجه کمک‌های مستمر و نامحدود امریکا به صهیونیست‌های نژادپرست صورت می‌گیرد و این سیاست در گشتارهای اخیر فلسطینیان در اردوگاه‌های صبرا و شتیبلا متجلی شده است "

در این بیانیه از حقوق مردم فلسطین و از رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین پشتیبانی شد و با انزجار نسبت به اقدامات نیروهای تجاوزگر صهیونیست در بیروت ، توطئه جدید مبنی بر جمع‌آوری فلسطینیان ساکن لبنان در یک منطقه واحد به عنوان توطئه‌ای که قصد آن نابودی فلسطینیان است محکوم گردید .

در این گردهمایی همچنین بر لزوم " احترام کامل به استقلال حق حاکمیت تمامیت ارضی و نقش غیرمتعهد افغانستان و رعایت کامل اصل عدم مداخله " در امور این کشور و خروج نیروهای خارجی از آن تأکید شد . در پی این گردهمایی ، دولت قبرس اعلام کرد که گروه " اقدام جنبش غیرمتعهدها برای فلسطین " هفته آینده در پایتخت قبرس تشکیل جلسه خواهد سپید داد این گروه توسط دفتر هماهنگی جنبش غیرمتعهدها در مرداد ماه گذشته با شرکت وزرای خارجه کوبا ، یوگسلاوی ، قبرس ، هند ، سریلانکا ، نیکاراگوئه ، گویان سنگال و بنین به ریاست ایزیدور مالمرکا وزیر خارجه کوبا تشکیل شد و نقش هماهنگی و

هدایت اقدامات جنبش در حمایت از مردم فلسطین را برعهده دارد. گردهمایی اخیر وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد نشان داد که نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه درون این جنبش علیرغم توطئه‌های پیاپی امپریالیست‌ها می‌توانند همچنان در سنت حکیم اتحاد این جنبش و ژرفش مواضع ضدامپریالیستی آن کوشش‌های خود را پیروزمندانه پیش ببرند. امپریالیست‌ها و متحدین و دوستان آنها، از جمله در خود "جنبش غیرمتعهدها" امیدوار بودند اختلاف بر سر انتقال محل برگزاری گردهمایی سران جنبش از بغداد به جای دیگر در جنبش شکاف بیاندازد و زمینه مساعدی برای تخریب و پراکندن جنبش ایجاد کند. اما تیر آنها این بار نیز به سنگ خورد امپریالیسم و متحدین و دوستان آن از جمله دوستان آن در خود جنبش غیرمتعهدها مدام در پی ایجاد شکاف و پراکندن این جنبش هستند و خواهند بود اما مدام که نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه درون جنبش، متحد و هم‌رای باشند این توطئه‌ها محکوم به شکست است.

لهستان در راه رفع دشواری‌ها به سوی سازندگی پیش می‌رود

لهستان با گام‌های سنجیده و سنگین و مطمئن در راه چیرگی بر پیامد برخی خطاها و پیامد آشوب‌ها و خرابکارهای نیروهای گوش‌فرمان امپریالیسم پیش می‌رود. انسجام انقلابی دستگاه رهبری و کوشش‌های سازنده آن در راه ازمیان بردن کاسته‌های اقتصادی - اجتماعی، نوده‌های مردم را با همبستگی انقلابی در میدان سازندگی به کار و کوششی پیش از همیشه برمی‌انگیزد. اما این روند، سردمداران و کارگزاران "اتحادیه همبستگی" را که تنها راه همبستگی با امپریالیسم جهانی را می‌پذیرفتند نومید و خشمگین کرده و به چاره‌اندیشی‌های زبونانه واداشت. مهره‌ها و دوستان امپریالیسم در "اتحادیه همبستگی" همه نیروی خود را گرد آورده‌اند و همه شکردها و سیرنگ‌های خرد را بکار بستند تا مگر بار دیگر لهستان را به آشوب بکشانند. امپریالیسم امریکا برای این دار و دسته، جایخانه‌های پیشرفته، فرستنده‌های رادیویی سیار، گونه‌های پیشرفته سی‌سیم و وسائل مخابراتی، گونه‌های پیشرفته فنک‌های دوربرد و سلاح‌های گرمی و نارنجک و بمب‌های دستی، کتاب‌ها و کتابچه‌های گوناگون راهنمای خرابکاری، شناسنامه و پاسپورت جعلی، پول و غیره فراهم کرد و برای رهبری آنها ستادی در "اروپای آزاد" برپا کرد. امپریالیست‌ها جاسوسها و کارشناسان خود را برای هدایت ضدانقلاب لهستان روانه این کشور کردند و در برخی کشورهای اروپایی مخفیانه امکانات آموزش ویژه برای ضدانقلابیون لهستان فراهم آوردند. امپریالیست‌ها بسرکردگی امریکا همه امکانات و دستگاههای تبلیغاتی خود را بکار انداختند تا برای ضدانقلابیون "قهرمان" و "چهره ملی" بسازند، گزارش کارهای آنان را به گوش جهانیان فرو بکنند و از آشوب‌های پراکنده‌ای که این دار و دسته‌ها برای می‌انداختند، جنبشی ضدسوسیالیسم و شیفته سرمایه‌داری و امپریالیسم بترانند. به هنگامی که سرمایه‌داری ورشکسته و رو به زوال در همه جهان و در خود کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری پیش از پیش به عنوان سرچشمه بهره‌کشی، ستم، بی‌خانمانی و محرومیت‌های گوناگون توده‌های مردم و همه بشریت شناخته می‌شود، دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم کوشیدند و انمود سازند "مردم لهستان شیفته سرمایه‌داری هستند، از سوسیالیسم به تنگ آمده‌اند و چشم برآوردند تا امریکا درهای "بهت" سرمایه‌داری را به روی آنها بگشاید! امپریالیسم جهانی رو به زوال، برای فریب دادن مردم جهان و مردم کشورهای امپریالیستی که به‌گونه‌ای فزاینده با امپریالیسم و نظام سرمایه‌داری به نبرد برمی‌خیزند تا خود را از چنگال خونین آنها رها سازند، دیگر نمی‌تواند از مزایای سرمایه‌داری "سخن بگوید و سخنش هم موثر بیافتد. از همین رو تنها دل به آن بسته است که اینجا و آنجا یک کاستی، یک خطا و یک کمبود در کشورهای سوسیالیستی کشف کند و از آن وسیله‌ای برای "تخطئه سوسیالیسم" بسازد. رویدادهای لهستان بیگمان افزون بر همه چیز چنین آرزوهایی را در میان امپریالیست‌ها دامن می‌زد. دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم که از نومیدی، گرفتار سراب لهستان شدند در مورد چشم و سبیل و سیماي لحوالسا پیش از آن حرف زدند که در مورد کل رویدادهای لسان، ریگان و پاب، صاحبان انحصارات امریکایی و اسقف‌های اروپایی، عفونین‌الطنلی در اروپا و طرفداران حقوق بشر در اسرائیل، پیران در گور حفته و کودکان معصوم هنوز دنیا نیامده همه و همه مطابق با فتنه‌های تبلیغاتی امپریالیسم برای آرادای لحوالسا و بیروزی "همبستگی" مشغول دعا شدند! این موجودات شریف! چنان مسخورتناشای لحوالسا و "همبستگی" بودند که هرگز ندیدند چگونه هفتاد هزار کودک و زن و پیر و بیمار و دانشمند و هنرمند و یزمنده لسانی و منصفینی در صورت و صید و بیروب و صرا و سندان من‌عام ... امپریالیسم، دچار سراب شد نقشه آرزوهای خود را بر آب کند سرمایه‌ها را جایی بکار انداخت که بی‌بازگشت سودی برآید، پارلمان لهستان اتحادیه همبستگی را محل اعلام کرد مفهوم این

انحلال درست شامل انحلال تشکل و فعالیت نیروهای است که
به خواست امپریالیسم و به فرمان آن آشوبها و خرابکاریها
کردند. تشکیل اتحادیه در لهستان نه تنها منع نمی‌شود، بلکه
تشویق و حمایت نیز می‌شود. آنچه در لهستان منع شده تشکل و
فعالیت نیروهای گوش به فرمان امپریالیسم است. بلافاصله در
پی انحلال اتحادیه همسنگی "آزادی بازمانده زندانیان سیاسی
آغاز شد و از کارگران و روستاییان برای تشکیل اتحادیه‌های انقلابی
خودشان دعوت بعمل آمد. روند پیشرفت و سازندگی در لهستان
علیرغم خواست امپریالیسم با هیچ مانع جدی روبرو نیست.
امپریالیستها و در رأس همه آمریکا برآنند که از خارج و با محاصره
اقتصادی لهستان این روند را متوقف یا کند کنند. اقدامات دولت
ریگان برای گستردن تحریم اقتصادی علیه لهستان نمونه بارزی از
دخالت بیشرمانه امپریالیسم در امور داخلی یک کشور مستقل است
این اقدامات به نوبه خود مردم لهستان را بیش از پیش به ماهیت
امپریالیسم آگاه می‌سازد. روند سوسیالیسم روند پیشرفت و
سازندگی در لهستان بطور قطع روندی سازگشت‌ناپذیر است.
تلاش‌های امپریالیسم سرگردگی آمریکا برای متوقف کردن و درهم
شکستن چنین روندی جز رسوایی و شکست بازعم بیشتر ارمغانی
برایشان نخواهد داشت.